



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The role of immigration in the way of thinking of immigrant writers and its reflection in their novels
(Case study: Mahmood Golabderehi, Firoozeh Jazayeri Duma and Goli Targhi)

B. Rouhi Boroogeni, M. Sadeghi Givi*

Department of Persian Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 19 August 2020
Reviewed: 21 Septemebr 2020
Revised: 06 October 2020
Accepted: 30 November 2020

KEYWORDS

Persian novel, intellectual level, immigration, immigrant writers.

*Corresponding Author

Mar.Sadeghigivi@iauctb.ar.ir

(+98 21) 73681200

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: To achieve the intellectual level of authors, studying their works helps a lot. Immigrant writers reflect part of their perspective to the reader by reflecting the dimensions of migration in the novel. Mahmood Golabderehi, Firoozeh Jazayeri Duma, and Goli Targhi are among the writers who have reflected their biological experience in their works. In this research, the views of Abdolali Lahsaeizadeh (Migration Theories, 1989) have been used, which has examined migration from three dimensions: socio-cultural, psychological and economic. The following research is conducted to answer the question of how the worldview and thinking of immigrant novelists are reflected in the story. The purpose of this article is to study and compare the intellectual level of immigrant writers in order to clarify the role of immigration in creating their works.

METHODOLOGY: This research is a descriptive-analytical method. The data collection tool is documentary and library and the research is organized by qualitative content analysis. What can help prove the hypothesis of the present study is the evidence found in the works of three immigrant authors. Therefore, the statistical population and the sample size of the forthcoming research are: the novels "Dal" (358 pages) by Mahmood Golabderehi, "The scent of lavender, the scent of pine" (192 pages) by Firoozeh Jazayeri Duma and "Etefaq" (302 pages) by Goli Progress.

FINDINGS: In this study, the views of several theorists about migration were read and it was found that this phenomenon affects the life of immigrants from three dimensions of socio-cultural, psychological and economic.

CONCLUSION: Golabdareh expresses dissatisfaction with migration in different ways in the novel "Dal", Jazayeri Duma in the novel "Lavender Fragrance, Pine Fragrance" has reached a high degree of satisfaction with migration and in the novel "Incident" lack of coordination with the destination, sadness Nostalgia and nostalgia have been the greatest intellectual concerns of progress.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5463](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5463)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 17	 1	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

نقش مهاجرت در طرز تفکر نویسندگان مهاجر و انعکاس آن در رمان‌هایشان (بررسی موردی: محمود گلابدره‌ای، فیروزه جزایری دوما و گلی ترقی)

بینا روحی بروجنی، مریم صادقی گیوی*

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: برای دستیابی به سطح فکری نویسندگان، مطالعه آثار آنها کمک شایانی میکند. نویسندگان مهاجر با انعکاس ابعاد مهاجرت در رمان، بخشی از دیدگاه خود را به خواننده نشان میدهند. محمود گلابدره‌ای، فیروزه جزایری دوما، و گلی ترقی از جمله نویسندگانی هستند که تجربه زیستی خود را در آثارشان منعکس کرده‌اند. در این پژوهش از نظرات عبدالعلی لهسایی‌زاده (نظریات مهاجرت، ۱۳۶۸) استفاده شده که مهاجرت را از سه بعد اجتماعی - فرهنگی، روانشناسی و اقتصادی بررسی کرده است. تحقیق پیش رو برای پاسخ به این پرسش انجام شده که جهانی‌بینی و تفکر رمان‌نویسان مهاجر چگونه در داستان منعکس میشود. هدف این مقاله بررسی و مقایسه سطح فکری نویسندگان مهاجر است تا از این طریق نقش مهاجرت در خلق آثار آنها روشن شود. **روش مطالعه:** این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی شکل گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها اسنادی و کتابخانه‌ای است و پژوهش به روش تحلیل محتوای کیفی تنظیم شده است. آنچه میتواند به اثبات فرضیه پژوهش حاضر کمک کند، شواهدی است که در آثار سه نویسنده مهاجر بچشم می‌خورد. از اینرو جامعه آماری و حجم نمونه تحقیق پیش رو عبارت است از: رمان‌های «دال» (۳۵۸ صفحه) اثر محمود گلابدره‌ای، «عطر سنبل، عطر کاج» (۱۹۲ صفحه) اثر فیروزه جزایری دوما و «اتفاق» (۳۰۲ صفحه) اثر گلی ترقی.

یافته‌ها: در این پژوهش دیدگاه‌های چند نظریه‌پرداز درباره مهاجرت خواننده و مشخص شد که این پدیده از سه بُعد اجتماعی - فرهنگی، روانشناسی و اقتصادی بر زندگی مهاجر تأثیرگذار است. **نتیجه‌گیری:** گلابدره‌ای نارضایتی از مهاجرت را به شکلهای مختلف در رمان «دال» مطرح میکند، جزایری دوما در رمان «عطر سنبل، عطر کاج» به درجه زیادی از رضایتمندی نسبت به مهاجرت رسیده و در رمان «اتفاق» عدم هماهنگی با مقصد، غم غربت و نوستالژی بزرگترین نگرانی فکری ترقی بوده است.

تاریخ دریافت: ۲۹ مرداد ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۳۱ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۱۵ مهر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۰ آذر ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

رمان فارسی، سطح فکری، مهاجرت، نویسندگان مهاجر

* نویسنده مسئول:

✉ Mar.Sadeghigivi@iauctb.ar.ir

☎ ۷۳۶۸۱۲۰۰ (۲۱ ۹۸+)

مقدمه

مهاجرت یعنی حرکت انسانها از نقطه‌ای به نقطه دیگر که به تغییر محل اقامت آنها برای همیشه، مدت طولانی یا کوتاه منجر میشود. این پدیده در تمام دوره‌های تاریخی وجود داشته و در دهه‌های اخیر نیز یکی از رویدادهای مهم بشمار میرود. از این روی مهاجرت و پیامدهای آن از جمله موضوعات مهم اجتماعی است که در آثار برخی از رمان‌نویسان سبک رئالیسم مطرح شده است؛ بویژه نویسندگانی که آن را در زندگی خود تجربه کرده‌اند. سید محمود قادری گلابدره‌ای^۱، فیروزه جزایری دوما^۲ و گلی ترقی^۳ از جمله افرادی بودند که بعنوان نویسندگان مهاجر، مشکلات دور از وطن را احساس کرده و از نزدیک با آن روبرو بوده‌اند. آنان بدلیل تجربه زیسته خود، مشکلات مهاجران را در جامعه میزبان بگونه‌ای به تصویر میکشند که میتوان با بررسی آثار آنان به دیدگاه فکریشان پی برد. پدیده مهاجرت به هر شکل و دلیلی که صورت پذیرد، گاهی برای فرد مهاجر مشکلات متعددی ایجاد میکند. عبدالعلی لهسایی‌زاده جامعه‌شناسی است که خود مهاجرت را تجربه کرده و پیامدهای آن را از سه بُعد اجتماعی - فرهنگی، روانشناسی و اقتصادی بررسی کرده است. در این پژوهش از نظریات جامعه‌شناسی او استفاده شده تا ابعاد مهاجرت در سه رمان «دال»، «عطر سنبل، عطر کاج» و «اتفاق» مورد تحلیل قرار گیرد. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که جهانبینی و تفکر رمان‌نویسان مهاجر چگونه در داستان منعکس میشود. فرضیه پژوهش بر این استوار است که بر طبق مطالعات انجام‌شده، سطح فکری و دیدگاه رمان‌نویسان نسبت به مهاجرت یکسان نیست.

سابقه پژوهش

تا کنون پژوهش مستقلی درباره طرز تفکر گلابدره‌ای، جزایری و ترقی در خصوص مهاجرت صورت نگرفته است؛ اما در زمینه تحلیل رمانهای «دال»، «عطر سنبل، عطر کاج» و «اتفاق» میتوان به آثار زیر اشاره کرد:

۱- زمانی (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی رمان اتفاق از گلی ترقی» سه عنصر اصلی داستان یعنی پیرنگ، شخصیت و زمینه‌پردازی را بررسی کرده است.

۲- مقاله «چالش عناصر هویت‌ساز سرزمین مادری و میزبان در فضاهای بیناگفتامی مهاجرت در رمانهای ادبیات مهاجرت فارسی» اثر فلاح، سجودی و برامکی (۱۳۹۵) به بررسی چالشهای عناصر هویت‌ساز (زبان، مذهب، ازدواج، جنسیت، فرزندآوری و ...) در دو سرزمین مبدأ و مقصد با تکیه بر دو رمان «عطر سنبل، عطر کاج» و «اتفاق» میپردازد.

۳- مقاله «ساختار شکنی یادنگاشت زن ایرانی در عطر سنبل عطر کاج اثر فیروزه جزایری دوما» اثر مرنندی و امیری (۱۳۹۳)، نگاه زن مهاجر ایرانی به آمریکا و باورهای ایرانیان را به نمایش میگذارد.

۴- رضایی عاملی (۱۳۹۳) در مقاله «تقابل خود و دیگری در رمان مهاجرت دهه شصت و هفتاد» به تعامل و تقابل فرهنگها و پذیرش یا عدم پذیرش فرهنگی ایرانیان در دال و دو رمان دیگر میپردازد.

۱- (۱۳۱۸-۱۳۹۱ ش) متولد تهران، آثار او عبارتند از: «سگ کوره‌پز»، «پر کاه»، «باذر نجار»، «بادیه»، «لحظه‌های انقلاب»، «اسماعیل، اسماعیل»، «حسین آهنی»، «پرستو»، «صحرای سرد»، «سرنوشت بچه‌ی شمرون»، «آهوی کوهی»، «دال»، «چلچله‌ها»، «آقا جلال»، «ده سال هوم‌لسی آمریکا»، «مادر»، «منیر» و «حکومت نظامی».

۲- (۱۳۴۳ ش) متولد آبادان، بمنظور ماندگار کردن خاطرات مهاجرتش، داستانهایی نوشت که با نامه‌های متفاوت ترجمه شده است: بامزه در فارسی، عطر سنبل عطر کاج، خنده بدون لهجه و بدون لهجه خندیدن.

۳- (۱۳۱۸ ش) متولد تهران، آثار او عبارتند از: مجموعه داستانهایی من هم چه‌گووارا هستم، خواب زمستانی، خاطره‌های پراکنده، دریابری کاکل زری، مجموعه داستان‌های جایی دیگر، مجموعه داستانهایی دو دنیا، رمان اتفاق، مجموعه داستانهایی فرصت دوباره و فیلمنامه بی‌تا.

مبانی و چارچوب نظری

برای به سامان رساندن این پژوهش، نظرات چند جامعه‌شناس داخلی و خارجی درباره مهاجرت مطالعه شد؛ که خلاصه آن از این قرار است:

مایکل تودارو بیشتر به پیامدهای اقتصادی مهاجرت مانند اشتغال، بیکاری و درآمد پرداخته و این پدیده را عمدتاً تحت تأثیر عوامل اقتصادی، فیزیکی و فرهنگی - اجتماعی میدانند. وی در این مورد اخیر معتقد است مواردی مثل جذب مهاجر به زرق و برق شهری و دور شدن از فشارهای سنتی، در تصمیم به مهاجرت مؤثر است (مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، تودارو: صص ۳۱-۳۲).

عبدالمعبود انصاری پس از مطالعه روی مهاجران ایرانی و دسته‌بندی آنان، بر این نظر است که تعدادی از مهاجران پس از مهاجرت، هویت ملی و فرهنگی خود را فراموش کرده و از لحاظ فرهنگی، براحتی جذب مقصد میشوند. در مقابل عده‌ای که میتوان نام مهاجر بلاتکلیف را روی آنها نهاد، میان پذیرش فرهنگ مبدأ و مقصد سرگردان باقی میمانند (ایرانیان مهاجر در ایالات متحده، انصاری: صص ۱۵۵-۱۴۵).

سلی فیندلی مهاجران را به دو دسته تقسیم کرده و خصوصیات آنها را با هم مقایسه میکند: مهاجران متحرک فعاند، زندگی اجتماعی پرحرکتی دارند و از لحاظ کار، غذا و مسکن خودکفا هستند. مهاجران کم‌تحرک فقیرند و در مناطقی زندگی میکنند که با مشکلاتی مانند جنایت و نبود بهداشت روبرو هستند (برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی، فیندلی: صص ۲۷۷).

عبدالعلی لهسایی‌زاده معتقد است مهاجرت بجهت تأثیری که در زندگی مهاجر دارد، از سه بُعد اجتماعی - فرهنگی، روانشناسی و اقتصادی قابل بررسی است. او در خصوص بُعد اجتماعی - فرهنگی روبرو شدن با تفاوت‌های فرهنگی را مطرح میکند و براساس واکنش مهاجران نسبت به آن، آنها را به دو دسته تقسیم میکند: ۱- «در بسیاری از موارد مهاجران فرآیند تقلید را پیشه خود میکنند تا مشخص نشود که با فرهنگ محیط جدید بیگانه هستند... پس از همانندگردی مهاجر در محیط جدید، بین او و محیط اجتماعی کنونی رابطه متقابلی بوجود می‌آید که همان یگانگی است» (جامعه‌شناسی جهان سوم، لهسایی‌زاده و عبداللهی: صص ۱۰۲-۱۰۳)؛ ۲- گاهی مهاجر در مقابل فرهنگ جدید مقاومت کرده و بدلیل وابستگی به سرزمین خود، بسختی با محیط جدید ارتباط برقرار میکند. چنین مهاجری «نه‌تنها ارزشها را در خود درونی نمیکند بلکه در بسیاری از موارد به دور خود یک دیوار فرهنگی میکشد. کشیدن این دیوار فرهنگی ... نشانگر عدم انطباق او با محیط جدید است» (نظریات مهاجرت، لهسایی‌زاده: صص ۱۳). تفاوت‌های فرهنگی در عناصر گوناگونی جلوه‌گر میشود که در جامعه آماری این پژوهش به ترتیب کمیت عبارت است از: آداب و رسوم، باورها، زبان، اخلاق، قوانین، خوراک، تفریحات، مراسم، استفاده از وسایل و معاشرت. در خصوص بُعد روانشناسی مهاجرت، لهسایی‌زاده معتقد است مهاجری که جذب مقصد نشود، اگر راه برگشت نداشته باشد، به هنجارشکنی کشیده میشود (نظریات مهاجرت، لهسایی‌زاده: صص ۱۴). وی نابسامانیها، کجرویها و انحرافات اجتماعی را حاصل این از خودبیگانگی در محیط جدید میدانند (جامعه‌شناسی جهان سوم، لهسایی‌زاده و عبداللهی: صص ۱۰۵). او بُعد اقتصادی مهاجرت را در مشکل یافتن شغل تعریف میکند و معتقد است در این مورد هم مهاجران به دو دسته تقسیم میشوند: ۱- برخی از مهاجران بعلت نداشتن مهارت‌های موردنیاز جامعه، مشاغلی را که بدست می‌آورند از پایینترین رده‌های اجتماعی و عمدتاً ناپایدار است (همانجا)؛ ۲- «مهاجر در مقصد این احساس را بدست می‌آورد که ممکن است در یک شغل موفقیت نداشته باشد ... او باید چندین شغل را بیازماید تا

بالأخره در یکی از آنها موفق شود. همین امر بطور ناخودآگاه مهاجر را به یک تحرک شغلی وامیدارد» (جامعه‌شناسی جهان سوم، لهسایبی زاده و عبداللهی: ص ۱۰۳).

مطالعات لهسایبی زاده درباره مهاجرت از دیگر نظریه پردازان جدیدتر و کاملتر است و با شخصیت‌های جامعه آماری تحقیق پیش رو انطباق بیشتری دارد. از این روی دیدگاه‌های او بعنوان چارچوب نظری این پژوهش در نظر گرفته شده است. آنچه در این پژوهش بررسی شده، ابعاد پدیده مهاجرت براساس نظرات لهسایبی زاده در سه رمان مهاجرت است؛ تا از این طریق طرز تفکر نویسندگان رمانها نسبت به مهاجرت و تفاوت دیدگاه آنها مشخص شود.

در پذیرش فرهنگ جدید توسط مهاجر و سازگاری با آن، عواملی چون مدت زندگی در سرزمین مقصد، توانایی زبان، تعداد تعاملات و فاصله فرهنگی دخیل است (فرهنگ‌پذیری و سازگاری در میان جوانان کرد، رستگارخالد و سلیمانی بیدگلی: ص ۱۶۸). جز موارد گفته شده، سن مهاجر هم عامل مؤثری است که هرچه پایینتر باشد، مهاجر در جذب عناصر فرهنگی موفقتر است (مبانی انسانشناسی، فرید: ص ۲۷۸-۲۸۴). یگانگی هم مشکلات روانی حاصل از مهاجرت و دوگانگی هویتی را بیشتر متعلق به نسل اول مهاجران میدانند و معتقد است افرادی که در سرزمین میزبان متولد میشوند، از این مشکل به دور هستند (مهاجرت بزرگ ایرانیان، یگانگی: ص ۳۸۸).

بحث و بررسی

با توجه به چارچوب نظری مذکور، برای دستیابی به طرز تفکر نویسندگان مهاجر، ابعاد مهاجرت در جامعه آماری این پژوهش بررسی شده که بترتیب کمیت شواهد در داستانها عبارتند از: بُعد اجتماعی - فرهنگی، روانشناسی و اقتصادی.

معرفی رمان «دال»

نبی شمیرانی، نویسنده معروف ایرانی، پس از پنج سال دوری از همسر و دخترانش راهی سوئد شد. رفتار مردم سوئد و زن و فرزندان وی که به رنگ فرنگیها درآمده بودند، او را سخت برآشفته کرد. نبی که مانند بیشتر مهاجران با مشکل یافتن کار روبرو شده بود، هر روز بی‌حوصله‌تر و ناامیدتر میشد تا اینکه روزی بدنبال بحث و دعوا با همسرش شروع به پرتاب کردن و شکستن وسایل خانه کرد. نازی دختر بزرگ او هم طبق مقررات سوئد، با پلیس تماس گرفت و بدنبال آن، نبی به بیمارستان روانی منتقل شد. سرانجام وی از بیمارستان فرار کرد و در سوز و برف یخ زد.

بُعد اجتماعی - فرهنگی

در این رمان ناهمگونیهای فرهنگی در عناصر آداب و رسوم، اخلاق، قوانین، باورها، زبان و وسایل مورد استفاده یافت شد که در همه موارد منجر به آشفتگی روحی مهاجر میشود. بعنوان نمونه در داستان میخوانیم که بخاطر سوز و سرمای کشور سوئد، خانم اینگرید، معلم زبان سوئدی، از نبی دعوت میکند سوار بر ماشینش شود که او را تا مقصد برساند: «راه که افتادند نبی سیگاری روشن کرد. اینگرید گفت: "ماشین بوی سیگار میگیره. یکمی شیشه رو بکش پایین". نبی شرمزده شیشه را کمی پایین کشید. شلاق تیز و تند و سوزنده سوز و سرما صورتش را سوزاند. سیگار را پرت کرد بیرون. شیشه را بالا کشید. اینگرید جاسیگاری را کشید و گفت: "می‌انداختی اینجا ته سیگارتو. چرا

پرت کردی بیرون توی برفا؟" نبی مُرد و زنده شد. مچاله شد... و هی خود را سرزنش میکرد» (دال، گلابدره‌ای: ص ۸۰).

نبی به کشور سوئد مهاجرت کرده ولی گویا هنوز الگوی رفتاری خود را با فرهنگ جامعه میزبان تطبیق نداده است. سیگار کشیدن داخل ماشین، نشان از کم‌توجهی او به فرهنگ کشور میزبان دارد. اینگرید از بوی سیگار در ماشین ناخرسند است و آن را به نبی گوشزد میکند. نبی هم برای برطرف کردن آن، سیگار را به بیرون می‌اندازد. این بار تعجب اینگرید بیشتر میشود. این رفتار، میان مردم اروپا رایج نیست. باز به او یادآور میشود که سیگار را باید در جاسیگاری گذاشت. نبی از بروز چنین رفتارهایی شرم‌منده میشود و از اینکه نتوانسته با فرهنگ کشور میزبان سازگار شود، خودش را سرزنش میکند. او مدت کوتاهی است که در سوئد زندگی میکند و ارتباطات وی با مردم بومی بسیار کم است. همچنین نبی در سنی اقدام به مهاجرت کرده که جذب فرهنگی در او بسختی شکل میگیرد. بخصوص که ندانستن زبان سوئدی و مشغول نبودن به کار، او را از تعاملات اجتماعی دور کرده است.

در این رمان بیشترین مشکلی که نویسنده به آن پرداخته، تفاوت‌های فرهنگی است. به این صورت که بیست‌وسه مورد برابر با نیمی از مشکلات مطرح‌شده برای مهاجر، از این نوع است. همچنین گلابدره‌ای در طی مهاجرت‌های خود به آمریکا، هند، سوئد و دیگر کشورهای اروپایی سرگشتگی، حیرانی و بیگانگی فرهنگی را تجربه کرده؛ تا جایی که بارها در خاطرات خود به آن اشاره کرده است. از آنجاکه این داستان، روایتی از یک ماجرای واقعی است که بصورت رمان درآمد، میتوان به دیدگاه گلابدره‌ای نسبت به مشکلات مهاجرت پی برد. سایر نمونه‌ها در پانویشت ارجاع داده شده است.^۱

بُعد روانشناسی

اگر مهاجر نتواند با مشکلات جامعه مقصد سازگاری پیدا کند، ممکن است به رفتارهای ناهنجار که نشان از بحران روانی دارد، روی آورد. در این داستان میخوانیم ناصر پس از مشاهده رفتارهای همسرش که به گونه سوئدیها درآمد بود، زندگی را طاققت‌فرسا دید: «تعش ناصر را از عمق دو متر، از دل یخ، از توی آب دریاچه، هر جوری بود، بیرون کشیدند. ناصر سیاه و کبود شده بود. تنش یخ زده بود» (دال، گلابدره‌ای: ص ۱۴۷).

ناصر در پذیرش فرهنگ مقصد، دچار دوگانگی و ناامیدی شده بود و از اینکه همسر خود را علاقه‌مند به عناصر فرهنگی جدید میدید، تا حدی پریشان و درمانده شد، که تنها راه‌حل را در خودکشی یافت. در بخشی دیگر از این رمان، چنین میخوانیم: «چاره اگه داشت ناصر چاره‌جویی میکرد نبی. شش سال ادا در آوردن و هی زیرسبیلی رد کردن ادای سوئدیها را خواست در آره. واژه‌های شوهر، بیغیرت، دیو، پفیوز، بیرگ، بی‌همه‌چیز و هزاران حرف و واژه و کلمه کبابش کرد تا آخرش کباب شد» (همان: ص ۱۵۳).

لهسایی‌زاده معتقد است: «اگرچه مهاجر به مرور احساس میکند که با محیط وحدت بیشتری مییابد، اما پس از گذشت مدتی به ارزشهای واقعی خود بازمیگردد و از آن به بعد درجه ستیز او با ارزشهای بیگانه بالا میگیرد... در این مرحله اگر مهاجر راه برگشت نداشته باشد به هنجارشکنی کشیده میشود» (نظریات مهاجرت، لهسایی‌زاده:

۱- دیگر نمونه‌ها: (دال، گلابدره‌ای: ص ۷)، (همان: ص ۷)، (همان: ص ۶۷)، (همان: ص ۸۱)، (همان: ص ۹۲ و ۹۴)، (همان: ص ۹۹)، (همان: ص ۱۰۳)، (همان: ص ۱۰۴)، (همان: ص ۱۱۵-۱۱۶)، (همان: ص ۱۱۶-۱۱۷)، (همان: ص ۱۲۶)، (همان: ص ۱۵۳-۱۵۲)، (همان: ص ۱۷۷-۱۷۸)، (همان: ص ۱۹۰)، (همان: ص ۱۹۲)، (همان: ص ۲۰۹)، (همان: ص ۲۱۴)، (همان: ص ۲۳۲)، (همان: ص ۲۵۴)، (همان: ص ۲۷۷)، (همان: ص ۲۹۲-۲۹۴) و (همان: ص ۳۱۴).

ص ۱۴) گلابدره‌ای بدون برنامه‌ریزی و دوراندیشی به آمریکا مهاجرت کرد. او که با بی‌خانمانی و آوارگی موقعیت خود را متزلزل میدید، بناچار نوچه‌فردی به نام رضا کاردی شد. این خروج از هنجار، اخراج وی از دفتر مجله را بدنبال داشت. پس از مدتی رضا مورد سوء قصد قرار گرفت و گلابدره‌ای باز بیکار شد (ده سال هوملسی آمریکا، گلابدره‌ای: ج ۱ ص ۴۴-۴۱). درگیر شدن با بی‌خانمانهای دیگر بر سر سیگار یا مقدار اندکی خوراک از مشکلاتی است که نویسنده در خاطرات خود به آنها اشاره کرده است (همان، ج ۲: ص ۶۴). او از جمله مهاجرانی بود که وقتی مشکلات دور از وطن را تاب نیاورد، به سرزمین مادری خود بازگشت. روی آوردن به کارهای خلاف در رمان «دال» بشکل ضرب‌و‌شتم، قاچاق انسان حتی بچه، خریدوفروش مواد مخدر، و خودکشی در دوازده مورد دیده میشود.^۱

بعد اقتصادی

مشکل دیگری که در رمان «دال» بر سر راه مهاجر قرار میگیرد، از نوع اقتصادی و یافتن شغل است. برای مثال دوست نبی که متوجه میشود این نویسنده معروف ایرانی مدتی است در سوئد بیکار است، به او اینگونه پیشنهاد کار میدهد: «آقا نبی... اگه مایل باشی و قبول کنی یه پیشخدمت سوئدی دارم که شنبه‌شبا که هتل شلوغه میاد لیوان میوانا رو جمع میکنه، میز پیزا رو تمیز میکنه. میخوای شالشو بکشم، تو بیایی جاش کار کنی ما در خدمت شما باشیم با هم بیشتر باشیم؟» (دال، گلابدره‌ای: ص ۱۸۳).

نبی پس از خروج از ایران و تحمل بیکاری در کشوری بیگانه، با پیشنهاد پیشخدمتی رستوران مواجه میشود، که نه درخور شأن اوست و نه عزت و احترام سابق او را نگه میدارد. نویسنده معروفی که ارزش و احترام ویژه‌ای میان دوستان و خویشانش داشته، اکنون با چنین شغل دون‌پایه‌ای مواجه میشود. زیرا براساس آنچه در جامعه مهاجران اتفاق میفتد، گاهی مهاجر بعلت نیاز مالی و نداشتن مهارتهای موردنیاز، جذب کارهای دون‌پایه میشود (نظریات مهاجرت، لهسایی‌زاده: ص ۱۷).

تجربه گلابدره‌ای در این زمینه بیکاری، بی‌خانمانی و تلاشهای زیاد برای کسب درآمد بوده است. او با وجود آنکه نویسنده‌ای توانا بوده، بدلیل پیدا نکردن شغل درخور توجه و دائم، برای خوراک روزانه خود محتاج دیگران بوده و حتی مدتی مجبور شده زیر پل بخوابد (ده سال هوملسی آمریکا، گلابدره‌ای، ج ۱: ص ۵۸) یا برای کسب درآمدی ناچیز دستشویی و سطل زباله فروشگاه را تمیز کند (همان، ج ۲: ص ۱۳۷). وی با توجه به تجربه خود، مشکل اقتصادی ایرانیان مهاجر را یازده بار در داستان «دال» مطرح کرده است.^۲

معرفی رمان «عطر سنبل، عطر کاج»

این داستان سرگذشت‌نامه‌ای است طنزگونه از خاطرات فیروزه، دختری ایرانی که در هفت‌سالگی همراه خانواده‌اش از آبادان به آمریکا رفت. بدلیل آشفتگی مالی خانواده، فیروزه برای تأمین هزینه تحصیل بناچار شغل‌های دون‌پایه و موقت را تجربه کرد. همچنین وی در آمریکا شاهد تفاوت‌های زیاد فرهنگی میان خود و همسالان و پس از آن با

۱- دیگر نمونه‌ها: (دال، گلابدره‌ای: ص ۱۰۸)، (همان: ص ۲۵۶)، (همان: ص ۲۹۱-۲۹۲)، (همان: ص ۳۱۷)، (همان: ص ۳۱۸)، (همان: ص ۳۱۹-۳۱۸)، (همان: ص ۳۱۹)، (همان: ص ۳۱۹-۳۲۰)، (همان: ص ۳۲۲)، (همان: ص ۳۳۵) و (همان: ص ۳۴۰).

۲- دیگر نمونه‌ها: (دال، گلابدره‌ای: ص ۸۷)، (همان: ص ۸۷)، (همان: ص ۱۰۷-۱۰۸)، (همان: ص ۱۱۹)، (همان: ص ۱۲۵-۱۷۳)، (همان: ص ۱۴۱-۱۳۵)، (همان: ص ۱۷۵)، (همان: ص ۱۹۸-۱۹۳)، (همان: ص ۱۹۵) و (همان: ص ۲۳۳).

همسر فرانسویش بود. ولی از نوشته‌هایش اینگونه برداشت میشود که تا حد زیادی فرهنگ آمریکایی بر وی غلبه دارد و نه تنها در فرهنگ‌پذیری دچار تردید نیست، حتی گاهی از پدر و مادر خود برای داشتن بعضی عناصر فرهنگی ایرانی انتقاد میکند.

بُعد اجتماعی - فرهنگی

در این رمان بیست‌وچهار مثال^۱ برای ناهمگونی فرهنگی از نوع آداب و رسوم، باورها، زبان، تفریحات، خوراک، مراسم و معاشرت وجود دارد؛ که مهاجر داستان بجز یک مورد خود را با عناصر فرهنگی مقصد تطبیق میدهد و یا در کنار ارزشهای بیگانه، فرهنگ خود را پیاده میکند. برای مثال در این داستان میخوانیم: «وقتهایی که قرار بود برای جلسه باشگاه خوراکی ببرم، مادر هر بار میخواست ساندویچ پنیر تبریزی و ریحان لای نان لواش درست کند، و یا شله‌زرد. همیشه به او میگفتم: "فراموشش کن" و آرزو میکردم کاش یاد میگرفت کلوچه جو کشمشی درست کند. مادر به اصطلاح نوجوانها، حسابی از مرحله پرت بود» (عطر سنبل، عطر کاج، جزایری: ص ۱۴۶).

از جمله خوراکیهای سنتی ایرانیان، ساندویچ نان و پنیر است که در این رمان بعنوان یکی از تفاوت‌های فرهنگی که موجبات ناراحتی شخصیت مهاجر داستان را فراهم آورده از آن صحبت شده است. فیروزه چنان جذب فرهنگ میزبان شده و به یگانگی با آن رسیده که بیشتر، تفاوت‌های فرهنگی خانواده‌اش با کشور میزبان از طرف او به سخره گرفته میشود. حتی ذائقه‌اش با سرزمین میزبان هماهنگی بیشتری دارد. تا جایی که دعا میکند کاش مادر بجای غذای سنتی، غذای فرنگی درست کند. درحالیکه خوراک برگرفته از فرهنگ هر ملیتی است، او این خوراک سنتی را نمیپذیرد و از آنجاکه براحتی با فرهنگ مقصد ارتباط برقرار کرده، ترجیح میدهد آن را درخصوص نوع تغذیه تا حد زیادی جایگزین فرهنگ قدیم خود کند. شله‌زرد خوراکی است مخصوص ایرانیان و فیروزه که از کودکی به آمریکا مهاجرت کرده، خود را عضوی از جامعه میزبان میبیند؛ از اینرو در رفتارهای رایج میان مردم، از غریبها الگوبرداری میکند و میان‌وعده‌ای مانند کلوچه را به نان و پنیر و سبزی و شله‌زرد ترجیح میدهد تا تفاوتی میان او و دیگران دیده نشود. دستیابی به ارزشهای غربی، او را در دسته‌ای قرار میدهد که تمایل به پذیرش ارزشهای جدید داشته و میان مهاجران، بخش نوین را بوجود می‌آورند (جامعه‌شناسی جهان سوم، لهسایی‌زاده و عبداللهی: ص ۱۰۱ و ۱۰۲).

فیروزه از هفت‌سالگی به آمریکا مهاجرت کرده و در آن کشور به مدرسه رفته است. در نتیجه نسبت به مادرش، روابط گسترده‌تری با محیط برقرار کرده است. از اینرو فرهنگ‌پذیری در او بیشتر و سریعتر از مادر شکل گرفته است. او سعی میکند با پذیرش عناصر فرهنگی میزبان، تشابهی میان خود و بومیان ایجاد کند (همان: ص ۸۶).

بُعد اقتصادی

بُعد دیگر مهاجرت در این داستان مشکل اقتصادی و یافتن شغل است. فیروزه و خانواده‌اش نیز مانند دیگر مهاجران با این مشکل روبرو میشوند. برای مثال در رمان میخوانیم: «از طریق دوستم مریلین باخبر شدم که سینمای محل

۱- دیگر نمونه‌ها: (عطر سنبل، عطر کاج، جزایری: ص ۱۳-۱۵)، (همان: ص ۳۰-۳۱)، (همان: ص ۳۱-۳۲)، (همان: ص ۵۲)، (همان: ص ۵۷)، (همان: ص ۶۴-۶۵)، (همان: ص ۶۵)، (همان: ص ۶۸-۶۹)، (همان: ص ۸۰)، (همان: ص ۸۱-۸۲)، (همان: ص ۱۰۱)، (همان: ص ۱۰۵)، (همان: ص ۱۰۶-۱۰۷)، (همان: ص ۱۰۷)، (همان: ص ۱۰۹)، (همان: ص ۱۴۳)، (همان: ص ۱۴۳)، (همان: ص ۱۴۴)، (همان: ص ۱۴۶)، (همان: ص ۱۴۶ و ۱۴۷)، (همان: ص ۱۵۲)، (همان: ص ۱۵۲) و (همان: ص ۱۴۷ و ۱۵۴).

برای تابستان دنبال فروشنده میگردد. برای کار توی بوفه سینما استخدام شدم... رایجترین نوشیدنی آن تابستان تاب نام داشت... متأسفانه دستگاه تاب ما همیشه خراب بود و نوشابه رژیمی دیگری هم نداشتیم. اکثر مردم بعد از خرید یک ذرت بوداده خانواده با کره اضافه، یک تاب بزرگ هم سفارش میدادند. اینجا بود که اوضاع ناچور میشد. سر من جیغ میکشیدند: "چی؟ خراب شده؟" و بعد میخواستند مدیر سینما را ببینند... گذاردن تابستان توی سینما یک چیز را به من آموخت: باید دنبال شغل پردرآمدتری میگشتم. ترجیحاً چیزی که با فروش هلههوله سروکار نداشته باشد. بعد از آن چند کار دیگر هم پیش آمد، اما هیچ کدام، هیچ وقت درآمد خوبی نداشت. تلاشهایم برای مال اندوزی، موفقیت آمیز نبود» (عطر سنبل، عطر کاج، جزایری: صص ۱۳۰ - ۱۲۸).

فیروزه پس از آزمودن شغل‌های یک‌روزه، این بار در بوفه سینما مشغول به کار میشود. هرچند این کار مدت زمان بیشتری نسبت به تجربه‌های پیشین او بطول انجامید، ولی همانند مشاغل قبلی برایش ماندگار نیست؛ چراکه این کار هم در عین ساده بودن، با مشکلاتی همراه است که فیروزه از آن بیخبر است. انتظار میرفت در بوفه سینما رایجترین نوشیدنی موجود باشد؛ درحالیکه دستگاه تولید این نوشیدنی خراب بود و مشتریان بر سر فیروزه فریاد اعتراض میزدند. این اتفاق بر ناامیدی فیروزه می‌افزود. فیروزه از کار کردن در بوفه سینما یک مطلب را می‌آموزد و آن این است که اینگونه مشاغل دون پایه، کم‌درآمد و موقتی به کارش نمی‌آید و باید دنبال شغلی با درآمد بالاتری میبود. پس از کار در بوفه سینما چند شغل دیگر مشابه آن به فیروزه پیشنهاد شد که آنها هم درآمد بالایی نداشتند و این روز بروز بر ناامیدی او می‌افزود. چون مهاجری که تخصص و مهارت مورد نیاز جامعه را ندارد، بجز دستیابی به شغل‌های کم‌درآمد و ناپایدار فرصت دیگری در اختیار نخواهد داشت. با نگاهی خوش‌بینانه این جریان را میتوان به شکلی دیگر تعبیر کرد؛ لهسایب زاده با ورود به دنیای مهاجران به این باور رسیده که با تمام محدودیتهای موجود برای آنها، نسل دوم بدلیل آزمودن شغل‌های مختلف، به تحرک‌های اجتماعی دست مییابند (نظریات مهاجرت، لهسایب زاده: صص ۲۱). فیروزه نوجوان نیز با وجود سن کم و نداشتن تجربه و مهارت کافی، این جرئت و جسارت را در خود میبیند که فرصتهای شغلی پیش‌آمده را بیازماید تا تجربه‌ای کسب کند.

در این رمان یازده مثال برای مشکل اقتصادی مهاجر یافت شد که در پانوش ارجاع داده شده است.^۱ جزایری دوما به همراه خانواده ترک وطن کرده و پس از آن اقوام نیز به آنان پیوسته‌اند؛ تا جایی که به گفته خودش «فقط عمه‌ها و عموها و خاله‌ها و همسران و فرزندان و نوه‌هایشان ۹۸ نفر هستند» (عطر سنبل، عطر کاج، جزایری: صص ۱۴۷). از این روی غم غربت و بحرانهای روانی در این داستان بچشم نمیخورد. این رمان، با سخن پدر فیروزه به پایان میرسد که میگوید: «ببین توی آمریکا هم ثروتمند هستم، فقط پول زیادی ندارم» (همان: صص ۱۹۲) که این جمله نشانه رضایت خانواده از مهاجرت و نگرشی مثبت نسبت به آن است.

معرفی رمان «اتفاق» اثر گلی ترقی

نادر در آستانه جوانی برای تحمل درد دوری از اولین عشق خود، به آمریکا رفت و تحصیلاتش را ادامه داد. خاطرات زیبای کودکی و نوجوانی در غربت او را رها نمیکرد. از سوئی در مدت اقامتش در آمریکا نتوانست شغل مناسبی پیدا کند. او علیرغم نپذیرفتن فرهنگ مقصد، با دختری آمریکایی به نام شیلا جونز ازدواج کرد. این ازدواج بدلیل

۱- دیگر نمونه‌ها: (عطر سنبل، عطر کاج، جزایری: صص ۱۱۶)، (همان: صص ۱۱۷)، (همان: صص ۱۱۷)، (همان: صص ۱۲۰)، (همان: صص ۱۲۱-۱۲۰)، (همان: صص ۱۲۲)، (همان: صص ۱۲۴)، (همان: صص ۱۲۴-۱۲۶)، (همان: صص ۱۲۷) و (همان: صص ۱۲۷-۱۲۸).

تعارضات فرهنگی، پس از سه سال به جدایی انجامید. سرانجام نادر پس از سی‌وهشت سال برای دیدار خواهرش به ایران بازگشت.

بُعد اجتماعی - فرهنگی

در این رمان مهاجر داستان با تفاوت‌های فرهنگی در عناصر مختلف باورها، آداب و رسوم، اخلاق، خوراک و زبان روبرو میشود. برای مثال زمانی که صحبت از بارداری شیلا بود، نادر گفت: «اگه دختر بود، اسمشو میذاریم شادی... شیلا مخالف بود. شادی معنی نداشت... آقای جونز دوست داشت اسم پدرش یا اسم خودش را روی نوه‌اش بگذارند، و اگر دختر بود، اسم مادرش را: ماری - ویکتوریا» (اتفاق، ترقی: ص ۱۳۰). حفظ سنتها و ارزش نهادن به زبان مادری، شاخه‌ای از فرهنگ اقوام و ملل است. افرادی که مغلوب جامعه میزبان هستند یا ملیت آنان در حداقل قرار گرفته، نمیتوانند آزادانه نام دلخواه خود را برای فرزندان‌شان انتخاب کنند. زبان مادری میتواند در تحکیم هویت، قومیت و ملیت فرد مؤثر باشد و تحمل غم دوری از وطن را آسانتر کند و نادر از این موضوع آگاه است. همچنین برای او زیباترین نام دختر، «شادی» بود؛ چراکه این نام یادآور خواهرش، عزیزترین فرد در زندگی شخصی و موجب زنده شدن خاطرات شیرین روزهای گذشته اوست. درحالیکه شیلا با نام ایرانی مخالف است و آن را بی‌معنی میداند و خانواده جونز هم طبق فرهنگ سنتی خود قصد دارند نام پدربزرگ یا مادربزرگ را برای نوزاد انتخاب کنند. دسته‌ای از مهاجران تمایلی به پذیرش ارزشهای جدید نداشته و سعی میکنند به فرهنگ قدیم خود پایبند باشند (جامعه‌شناسی جهان سوم، لهسایبی‌زاده و عبداللهی: صص ۱۰۲-۱۰۱). نادر در این گروه جای دارد و این خصلت او در موارد متعدد، موجب تضاد میان وی و همسر آمریکاییش میشود. اینگونه برخوردهای مهاجران، بیانگر عدم پذیرش فرهنگ میزبان و تمایل به زنده نگه داشتن فرهنگ اصیل خود است. ترقی معتقد است تجربه غربت در ابعاد گوناگون جغرافیایی، انسانی، وجودی و در وطن مطرح میشود (گلی ترقی نقد و بررسی آثار، دهباشی و کریمی: ص ۱۰۲). تجربه او از مهاجرت موجب شده عنصر جستجوی هویت در بیشتر داستانهایش دیده شود. در این رمان گرایش به مقاومت در برابر فرهنگ بیگانه و نپذیرفتن آن و تمایل به حفظ سنتها بر فضای داستان سایه افکنده است؛ تا جایی که دوازده مثال^۱ برای ناهمگونی فرهنگی و تعارضات اجتماعی وجود دارد که نتیجه آن آن یا ناسازگاری با فرهنگ میزبان یا جذبی کوتاه‌مدت و موقت است.

بُعد روانشناسی

نادر پس از گذشت سی‌وهشت سال که با جبار ترک وطن کرده، همواره به یاد خانواده خود در ایران است و چون لحظه‌لحظه‌های زندگی خود را با خاطرات وطن میگذراند، در هماهنگی با فرهنگ کشور میزبان ناموفق است. یادآوری خاطرات ایران و غم غربت در بخشهای مختلف داستان دیده میشود. لهسایبی‌زاده مشکل روانی و ناهنجاری حاصل از مهاجرت را در نابسامانی، کجروی و انحرافات اجتماعی تعریف میکند. در این رمان مثالی برای کجروی یا انحرافات اجتماعی یافت نشد. اما اگر بتوان نابسامانی روانی را در انزوای اجتماعی، ترس از تنهایی، ناامیدی، دلتنگی افراطی، بیگانگی با خود، حس غم غربت و حسرت روزهای رفته تعبیر کرد، نوزده نمونه برای آن یافت

۱- دیگر نمونه‌ها: (اتفاق، ترقی: صص ۱۱۴-۱۱۵)، (همان: ص ۱۱۵)، (همان: صص ۱۲۱-۱۱۹)، (همان: ص ۱۲۶)، (همان: ص ۱۲۷)، (همان: ص ۱۲۸)، (همان: ص ۱۳۵)، (همان: ص ۱۳۸)، (همان: صص ۱۴۱-۱۴۲)، (همان: ص ۱۴۴) و (همان: ص ۲۸۵).

میشود.^۱ بعنوان مثال در این رمان نادر به آمریکا مهاجرت کرده ولی از این اقدام پشیمان است. در تنهایی با خود زمزمه میکند که «آمدنم به آمریکا اشتباه بود و ماندنم هم اشتباه است... هیچ اراده‌ای از خودم ندارم... سرنوشتم دست خودم نیست» (اتفاق، ترقی: ص ۲۶۸). این نارضایتی موجب شد که او در آمریکا دچار بحران روانی شود؛ تا جایی که پزشکی ایرانی «تعدادی قرص ضدافسردگی برای او تجویز کرد» (همان: ص ۸۲). تحقیق در زندگی نویسنده رمان نشان میدهد که چند سال اول مهاجرت او به پاریس، به کلنجار رفتن با گرفتاریهای غربت و دلتنگی بیمارگونه و سرگردانی میان گذشته و آینده طی شده تا جایی که مدتی بدلیل افسردگی شدید، در کلینیک روانی بستری میشود (گلی ترقی نقد و بررسی آثار، دهباشی و کریمی: ص ۱۳۷). نادر مدت زیادی است که در آمریکا حضور دارد؛ اما میان آمریکاییها بویژه خانواده همسرش، خود را بیگانه میبیند. «نمیتوانست و نمیفهمید چرا نمیتواند تصمیم بگیرد. خودش را نمیشناخت و در شهری بیگانه، میان مردمی بیگانه، آویزان به زبانی که زبان مادریش نبود، تبدیل به کسی دیگر شده بود. کسی ناتمام» (اتفاق، ترقی: ص ۱۲۳). نادر، این شخصیت سردرگم تنها با بازگشت به وطن آرام میگیرد؛ بازگشت به هویت اصلی و فرهنگ دیرینه خود. برداشت ترقی از مهاجرت، تحمل غم غربت و منطبق نبودن با محیط جدید است که بوضوح در شخصیت داستان «اتفاق» دیده میشود.

بُعد اقتصادی

مشکل دیگر نادر در آمریکا بُعد اقتصادی مهاجرت است. او برای دست یافتن به درآمدی ناچیز شغل‌های دون پایه و موقت را تجربه میکند و نهایتاً پس از سی‌وهشت سال با دست خالی به وطن بازمیگردد. وی پس از سالها زندگی در آمریکا در نامه‌ای به خواهرش مینویسد: «کاری موقتی در رستورانی هندی گیر آورده‌ام. از صبح تا نیمه‌شب در آشپزخانه هستم و شب که برمیگردم، سر تا پایم بوی کاری و ادویه‌های هندی میدهد. ظرفها را میشویم و بعد از رفتن مشتریها زیر میز و صندلیها را جارو میزنم و زمین چرب رستوران را میسابم» (اتفاق، ترقی: ص ۲۵۹). نادر با داشتن سی‌ودو سال سن و مدرک فوق لیسانس فلسفه، هنوز نتوانسته از پایگاه اجتماعی والایی برخوردار شود. او در آمریکا کاری در رستوران هندی پیدا کرده و در حالی این شغل دون پایه را پذیرفته که حدود چهارده سال است در آمریکا زندگی میکند. اکنون انتظار می‌رود پس از اینهمه سال و دریافت مدرک بالای تحصیلی، شغل بهتری برای خود پیدا کند. با وجود سختیهایی که این کار داشته، نادر بدلیل نیاز مالی آن را میپذیرد و در نامه‌ای این موفقیت را به خواهرش در ایران خبر میدهد.

لهسایی زاده معتقد است گروهی از مهاجران جذب مقصد نمیشوند و «مشاغلی را که بدست می‌آورند از پایینترین رده‌های اجتماعی و عمدتاً ناپایدار میباشد» (نظریات مهاجرت، لهسایی زاده: ص ۱۳). نیاز مالی باعث شده نادر از این شغل استقبال کند و درآمد کم آن را بپذیرد. چون دست یافتن به شغلی بالاتر و دائم را ناممکن میپندارد. ترقی در خانواده‌ای توانگر پرورش یافته و طعم فقر را در کودکی نچشیده است؛ از این روی در داستانهای خود شخصیهایی را انتخاب میکند که از طبقات فقیر فاصله دارند. در این داستان نادر در خانواده‌ای مرفه بزرگ شده؛ ولی در غربت برای گذران زندگی حاضر شده به شغل‌های دون پایه رضایت دهد و حتی گاهی از پیدا کردن آن نیز

۱- دیگر نمونه‌ها: (اتفاق، ترقی: ص ۷۹)، (همان: ص ۷۹)، (همان: ص ۸۰)، (همان: ص ۸۰)، (همان: ص ۹۲)، (همان: ص ۹۴)، (همان: ص ۹۵)، (همان: ص ۱۰۶)، (همان: ص ۱۰۷)، (همان: ص ۱۳۸)، (همان: ص ۱۳۹)، (همان: ص ۱۴۳)، (همان: ص ۱۴۳)، (همان: ص ۱۵۹)، (همان: ص ۲۷۲) و (همان: ص ۲۷۶).

خوشنود است. اگر موفق نبودن نادر در دستیابی به شغلی بالا ریشه‌یابی شود، شاید بتوان ناسازگاری فرهنگی را مهمترین عامل دانست. زیرا نادر به زبان انگلیسی مسلط است و مدرک تحصیلی بالایی دارد؛ اما در طی داستان عوض کردن شغل‌های دون پایه و موقت او بارها تکرار میشود. در این رمان پنج مثال برای مشکل اقتصادی مهاجر یافت شد که سایر نمونه‌ها در پانویست ارجاع داده شده است.^۱

نتیجه‌گیری

در این پژوهش دیدگاه‌های چند نظریه‌پرداز درباره مهاجرت خوانده و مشخص شد که این پدیده از سه بُعد اجتماعی - فرهنگی، روانشناسی و اقتصادی بر زندگی مهاجر تأثیرگذار است. سپس این ابعاد در رمان‌های «دال»، «عطر سنبل، عطر کاج» و «اتفاق» بررسی شد تا به طرز تفکر نویسنده در مورد مهاجرت پی برده شود. پس از بررسی‌های لازم این نتیجه بدست آمد که سطح فکری گلابدره‌ای، جزایری و ترقی راجع به پدیده مهاجرت یکسان نیست و این تفاوت در آثار آنها بروشنی منعکس شده است.

در رمان «دال» بیست‌وسه مورد ناهمگونیه‌های فرهنگی، یازده مثال برای مشکل اقتصادی و دوازده مثال برای مشکلات روانشناسی مهاجر یافت شد؛ که در نهایت این مشکلات منجر به مرگ شخصیت مهاجر داستان میشود. فضای حاکم بر داستان انعکاسی است از زندگی نویسنده و نارضایتی او از مهاجرت و بازگشت به مبدأ. در رمان «عطر سنبل، عطر کاج» با وجود بیست‌وچهار مورد مشکل اجتماعی - فرهنگی در عناصر گوناگون، سازگاری با فرهنگ جدید کاملاً مشهود است. همچنین یازده مورد مشکل اقتصادی بچشم می‌خورد که مهاجر داستان از آنها بعنوان تجربه یاد میکند.

در رمان «اتفاق» دوازده مورد مشکل اجتماعی - فرهنگی یافت شد که در همه موارد ناسازگاری با فرهنگ جدید و ستیز با ارزش‌های بیگانه از سوی مهاجر دیده میشود و پنج مورد مشکل اقتصادی؛ که برآیند این مشکلات منجر به آشفتگی روانی از جمله افسردگی و احساس غم غربت و بطور کلی نوزده مورد نابسامانی روانی و نهایتاً بازگشت به مبدأ میشود.

بنظر میرسد دلیل عمده تفاوت رفتاری میان شخصیت‌های اصلی این رمانها، مربوط به سن مهاجرت نویسندگان باشد؛ گلابدره‌ای در بزرگسالی اقدام به مهاجرت کرده و با جامعه میزبان ارتباطی برقرار نکرده است. شخصیت اصلی داستان او نیز مشکلات گوناگون مهاجرت را تجربه میکند و مانند نویسنده رمان، دچار بیگانگی و سرگستگی میشود. جزایری در هفت‌سالگی ایران را ترک کرده و براحته فرهنگ محیط جدید را پذیرفته و اگر در داستان تفاوت‌هایی میان فرهنگ او و سرزمین میزبان مشاهده میشود، یا در حد اختلاف سلیقه است و یا آنها را با انعطاف سپری میکند؛ در نتیجه با مشکلی در خصوص بحران هویت روبرو نمیشود. ترقی پس از اتمام تحصیلات متوسطه مهاجرت کرده و بیشتر اوقات در حسرت روزهای رفته و نوستالژی بسر برده است. همچنان که شخصیت مهاجر داستان نیز پس از گرفتن مدرک دیپلم، ایران را ترک کرده و بدلیل اینکه نظام ارزشی در او تثبیت شده، از جهت مقابله با فرهنگ پذیری، حالاتی شبیه خود نویسنده دارد. نادر با احساس تعلق نداشتن به جامعه میزبان، تا پایان داستان نامطمئن، بی‌تصمیم و بلا تکلیف باقی میماند و کوشش‌های او برای سازگار کردن خود با محیط جدید به شکست می‌انجامد. جدول زیر گویای کمیت مشکلات مهاجران در سه رمان «دال»، «عطر سنبل، عطر کاج» و «اتفاق» است.

۱- دیگر نمونه‌ها: (اتفاق، ترقی: ص ۸۳)، (همان: ص ۱۵۰-۱۴۹)، (همان: ص ۲۶۵) و (همان: ص ۲۶۶-۲۶۵).

اقتصادی		روانشناسی		اجتماعی - فرهنگی		رمان ابعاد
۲۴٪	۱۱	۲۶٪	۱۲	۵۰٪	۲۳	دال
۳۱/۵٪	۱۱	-	-	۶۸/۵٪	۲۴	عطر سنبل، عطر کاج
۱۴٪	۵	۵۳٪	۱۹	۳۳٪	۱۲	اتفاق

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی استخراج شده است. سرکار خانم دکتر مریم صادقی گیوی راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم بیتا روحی بروجنی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ameli Rezaei, Maryam. (2014). Confrontation of self and other in the novel of immigration of the sixties and seventies, *Critical Studies of Literature*, No. 3, pp. 63-78.
- Ansari, Abdolmabood. (1988). *Iranian Immigrants in the United States*, Translation of Abolghasem Serri, Tehran: Goethe, pp. 145-155.

- Dehbashi Ali & Karimi, Mehdi. (2004). Goli Targhi (review of works), Tehran: Qatreh, p. 102.
- Farbod, Mohammad Sadegh. (2006). Fundamentals of Anthropology, Tehran: Pashootan, pp.278-284.
- Findley, Sally. (1977). Planning for internal migration, Translation of Abdolali Lahsaeizadeh, Shiraz: Navid, p.277.
- Golabdarehei, Mahmoud. (2001). Ten years of American humility, Tehran: Farhang gostar, pp.41-44, 58.
- Golabderehei, Mahmoud. (2001). Dal, Tehran: Peykan.
- Jazayeri Duma, Firoozeh. (2003). Lavender scent, pine scent, Translation of Mohammad Soleimaninia, Tehran: ghesseh.
- Lahsaeizadeh, Abdolali & Abdollahi, Ahmad. (2002). Sociology of the Third World, Shiraz: Navid, pp. 102-103.
- Lahsaeizadeh, Abdolali. (1990). Theories of Immigration, Shiraz: Navid, pp 13, 14, 17, 21.
- Rastegar Khaled, Amir & Soleimani Bidgoli, Massoud. (2016). Cultural acceptance and adaptation among Kurdish youth, *Iranian Cultural Research*, No. 4, pp. 165-181.
- Targhi, Goli. (2014). Event, Tehran: Niloufar.
- Todaro, Michael. (1988). Internal Migration in Developing Countries, Translation of Mostafa Sarmadi and Parvin Raisifard, Tehran: Institute of Labor and Social Security, pp. 31-32.
- Yeganegi, Ismail. (2002). The Great Migration of Iranians, Tehran: Elm, p.388.

فهرست منابع

- اتفاق، ترقی، گلی، (۱۳۹۳)، تهران: نیلوفر.
- ایرانیان مهاجر در ایالات متحده، انصاری، عبدالمعبود، (۱۳۹۶)، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: گوته.
- برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی، فیندلی، سلی، (۱۳۷۲)، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: نوید.
- تقابل خود و دیگری در رمان مهاجرت دهه شصت و هفتاد، عاملی رضایی، مریم، (۱۳۹۳)، *مطالعات انتقادی ادبیات*، شماره ۳، صص ۶۳-۷۸.
- جامعه‌شناسی جهان سوم، لهسایی‌زاده، عبدالعلی و عبداللهی، احمد، (۱۳۸۱)، شیراز: نوید.
- دال، گلابدره‌ای، محمود، (۱۳۸۰)، تهران: پیکان.
- ده سال هوملسی آمریکا، گلابدره‌ای، محمود، (۱۳۸۰)، تهران: فرهنگ‌گستر.
- عطر سنبل، عطر کاج، جزایری دوما، فیروزه، (۱۳۸۶)، ترجمه محمد سلیمانی‌نیا، تهران: قسه.
- فرهنگ‌پذیری و سازگاری در میان جوانان کرد، رستگار خالد، امیر؛ سلیمانی‌بیدگلی، مسعود، (۱۳۹۵)، *تحقیقات فرهنگی/یران*، شماره ۴، صص ۱۶۵-۱۸۱.
- گلی ترقی (نقد و بررسی آثار)، دهباشی، علی و کریمی، مهدی، (۱۳۸۳)، تهران: قطره.
- مبانی انسان‌شناسی، فرید، محمدصادق، (۱۳۸۵)، تهران: پشوتن.

مهاجرت بزرگ ایرانیان، یگانگی، اسماعیل، (۱۳۸۱)، تهران: علم.
مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، تودارو، مایکل، (۱۳۶۷)، ترجمه مصطفی سرمدی و پروین رئیسی
فرد، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
نظریات مهاجرت، لهسایی زاده، عبدالعلی، (۱۳۶۸)، شیراز: نوید.

معرفی نویسندگان

بیبا روحی بروجنی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: bitarouhi@yahoo.com)
مریم صادقی گیوی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: Mar.Sadeghigivi@iauctb.ar.ir نویسنده مسئول)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Bita Rouhi Boroujeni: PhD Student in Persian Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: bitarouhi@yahoo.com)
Maryam Sadeghi Givi: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: Mar.Sadeghigivi@iauctb.ar.ir Responsible author)